

# سلاحهای هسته‌ای و سلامت جهانی

نوشته لینوس پاولینگ

اگر ۱۰ درصد ذخایر در یک جنگ هسته‌ای به مصرف برسند و بمبها به صورت متوسط در ۱۵۰ کیلومتری هدفها منفجر شود (برای به دست آوردن نتیجه به آن نیاز ندارید که بمب درست به هدف اصابت کند)، ۶۰ روز پس از روزی که جنگ صورت گرفته است - و چنان فرض می‌کنیم که این جنگ اروپا را به تمامی و اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای متحد آمریکا را در بر گرفته باشد - از ۸۰۰ میلیون مردمانی که در این نواحی زندگی می‌کنند، ۷۲۰ میلیون نفر مرده‌اند، ۶۰ میلیون نفر آسیب سخت دیده‌اند، و تنها ۲۰ میلیون نفر که جراحت کمتری برداشته‌اند زنده مانده‌اند.

ولی این زندگان باید با مشکلات ویرانی کامل شهرها و حومه‌ها و از بین رفتن وسایل ارتباط و گسیختگی کامل اجتماع و مرگ همه دامها و آلودگی همه خوراکیهای گیاهی به مواد رادیواکتیو بسازند. بدین ترتیب پایان کار این قسمت از جهان فرا می‌رسد؛ و این که عظمت آسیبی که به باقی جهان می‌رسد چه اندازه است، پرسشی است که هیچ‌کس نمی‌تواند با تخمین قابل اعتماد به آن پاسخ دهد.

پیمان جزئی تحریم آزمایشهای هسته‌ای که به سال ۱۹۶۳ در مسکو به امضا رسید، گام بزرگی به سوی پیش بود. مایه کمال تأسف است که این پیمان سه سال زودتر به امضا نرسید.

دوست دارم نشانه‌های اقدامی را بینم که بناسست صورت بگیرد، اقدامی که هدف آن کاستن از احتمال افروخته شدن آتش نبردی هسته‌ای است. زیرا بعید نیست در ضمن بروز حادثه‌ای روان‌شناختی یا فناورانه یا از طریق ترکیبی از اوضاع و احوال ناگهانی اتفاقی بیفتد که فرزانه‌ترین رهبران ملی نخواهند توانست از مصیبت و فاجعه آن جلوگیری کنند.

نوامبر ۱۹۶۴

لینوس پاولینگ **Linus Pauling**، شیمی‌دان آمریکایی، از طریق سهمی شدن در فهم ساختار مولکولی مخصوصاً از لحاظ بندهای ترکیب شیمیایی، به شهرت رسیده است. در سالهای آخر دهه ۱۹۴۰، با دانشمندان دیگر به اکتشاف یک «عیب مولکولی» مربوط به ساخته شدن هموگلوبین توفیق یافت. عمده‌ترین کتاب وی ماهیت بندهای شیمیایی و ساختار مولکولها و بلورها است که در ۱۹۳۹ انتشار یافت. در ۱۹۵۲ به دریافت جایزه نوبل در شیمی و در ۱۹۶۲ به دریافت جایزه صلح نوبل مفتخر شد.

در جنگ جهانی دوم بمبارانهای عظیم هوایی بر روی شهرهای آلمان صورت گرفت. در یک چنین حمله‌هایی، در ظرف فقط یک شب، هجصوم هزار هواپیما، هر یک حامل چهار بمب مخرب یک تنی، بیشتر شهر هامبورگ را ویران کرد و ۷۵،۰۰۰ نفر از مردم آن را کشت. اگر بنا باشد که چنین بمبارانی بار دیگر صورت‌پذیر شود، و مثلاً امشب نوبت پاریس باشد، و هزار هواپیمای دیگر فردا به شهری دیگر، و پس فردا به شهری دیگر حمله کند و به همین گونه تا ۱۴ سال ادامه پیدا کند مواد انفجاری مصرف شده در این حمله‌ها قدرت یک بمب ۲۰ مگاتنی را خواهند داشت (یک مگاتن برابر با یک میلیون تن است).

آزمایش انفجار یک بمب ۲۰ مگاتنی در جو یا بر سطح زمین آن قدر مواد رادیواکتیو در جو زمین پراکنده می‌کند که بنا بر بهترین تخمین ۵۵۰،۰۰۰ کودک نازاده را در چنین خواهد کشت با سبب معیوب شدن آنها خواهد شد. و همین تعداد قربانی محتملاً نتیجه آزمودن یک بمب هیدروژنی به توسط هر کشور است. هر کس باید این را بداند.

بمب هسته‌ای استاندارد (استاندارد) امروز بمب ۲۰ مگاتنی است. اتحاد جماهیر شوروی بمبی ۶۰ مگاتنی منفجر کرد که ظاهراً یکی از دو مرحله نخستین یک بمب ۱۰۰ مگاتنی بود. یک بمب ۱۰۰ مگاتنی تنها نیازمند به سه تن و نیم ماده انفجاری است، و محتملاً آن را می‌توان با یک پرتابه از قاره‌ای به قاره دیگر روانه کرد. ولی بمبهای ۱۰۰ مگاتنی چندان ضرورتی ندارد، چه یک بمب ۲۰ مگاتنی می‌تواند هر شهری را بر روی کره زمین ویران کند.

تخمین من آن است که ذخایر جهان مشتمل بر ۱۶،۰۰۰ عدد از این گونه بمبهای ۲۰ مگاتنی یا چیزی معادل آن است. اما در سراسر جهان ۱۶،۰۰۰ شهر بزرگ وجود ندارد، و به همین جهت آدمی حق دارد بپرسد که چرا این مقادیر عظیم مواد قابل انفجار باید فراهم شده باشد.

از آنچه روزی یک انسان بوده، تنها سایه‌ای بر دیوار بر جای مانده است. در یک لحظه، روز ۶ اوت ۱۶۴۵ در هیروشیما، بیکر یک انسان تشعشع و حرارت انفجار را به خود جذب کرد و شبی از این مرد بر روی بنای پشت سر او ترسیم شد. فرد مرده و سایه‌اش بر جای ماند.

